



اولین فرمانده گردان امام رضا (ع)، موفقیت‌های جنگ تحمیلی را حاصل تلاش و امید رزمندگان می‌داند

## ۲۵ روزیوتین ازپایم درنیامد



۵۰۴

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

ساکنان خیابان شهید صارمی ۲۷  
از سال ۱۳۹۸ درخواست روکش آسفالت داده‌اند

یکدست نبودن معابر در «قناد»

بوستان پرنیان در محله کوثر، پاتوق جذاب  
ورزشکاران است

دورهمی اسکیت‌بازان



محمدجواد واحدی با ثبت پلانک قدرتی  
سرمدار یک حرکت ورزشی در سطح بین‌الملل است

از ورزش پهلوانی  
تارکورد جهانی



## یکدست نبودن معابر در «قناد»

ساکنان خیابان شهید صارمی ۲۷ از سال ۱۳۹۸ درخواست روکش آسفالت داده‌اند

### تبعیض بین اول و آخر بولوار شهید قناد

باخودرو که وارد بولوار شهید قناد در محله هاشمیه می‌شویم، آسفالت تکه‌تکه و نا هموار دارد که صدای جلوبندی ماشین را درمی‌آورد. در فرعی‌هایش هم بعضی معابر آسفالت‌هایی بهتر و بعضی معابر از جمله شهید قناد ۱۱ آسفالت‌هایی خراب‌تر دارند.

حسین مقدم، ساکن قدیمی این محل که از سال‌های پیش پیگیر آسفالت آن بوده‌است، می‌گوید: سال ۱۳۷۹ باهمیاری مردم و شهرداری منطقه ۹ از شهید قناد ۱۱ به بعد آسفالت شد. پس از آن هیچ روکنشی روی این آسفالت کشیده نشده. سال ۱۳۹۸ که داشتند از ابتدای قناد تا قناد ۱۱ و برخی فرعی‌ها را آسفالت می‌کردند، گفتیم آسفالت ماقذیمی است و نیاز به روکش دارد. تأیید کردند و گفتند اینجارا هم آسفالت می‌کنیم، اما هنوز محقق نشده‌است.

### شبیه مسیر خاکی

علی رضایی که از دیگر قدیمی‌های محل است، ادامه می‌دهد: سال ۱۳۹۸ یک درخواست محلی نوشتم و به شهرداری دادیم. گفتند آسفالت اینجارا در اولویت می‌گذاریم، اما همچنان پشت‌گوش انداخته‌اند. ناهید فتوحی که بیست سال است مسیر عبور و مرورش از این بولوار است، می‌گوید: این‌اواخر خیلی آسفالت اینجا خراب شده‌است. بعضی وقت‌ها این قدر ماشین صدای می‌دهد که آدم فکر می‌کند دارد از راه خاکی عبور می‌کند.

علی پارسا که جزو ساکنان جوان محل است، از دوگانگی‌هایی که می‌بیند، ابراز نا رضایتی دارد و می‌گوید: می‌دانیم جاهایی هست که آسفالتشان از اینجا بدتر است. اگر آنجاها آسفالت شوند، می‌گوییم

اولویت داشته‌است، ولی ما داریم می‌بینیم در دیگر مناطق، معابری آسفالت می‌شوند که آسفالت اولیه شان بعد از مایه و سالم تراس است.

### حفری نداشته باشد، آسفالت می‌شود

رئیس اداره عمران، حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری منطقه ۹ در پاسخ به این درخواست و گلایه‌های مردم اظهار می‌کند: آسفالت بولوار شهید قناد در فهرست آسفالت‌امسال ما هست، اما برای معابری که نیاز به آسفالت دارند، از همه شرکت‌های خدماتی و سازمان‌هایی مانند گاز و مخابرات استعلام گرفته می‌شود و اگر آن‌ها در این مناطق حفاری نداشته باشند، برای آسفالت معابر فرعی خیابان شهید قناد اقدام می‌شود.

سید هادی صالحی بایگی ادامه می‌دهد: از خیابان‌هایی که در فهرست آسفالت قرار بگیرند، هیئت متشکل از کارشناسان مختلف بازدید و آن‌ها را اولویت‌بندی می‌کنند و تا جایی که اعتبارات و امکاناتی همچون قیر جوابگو باشد، به ترتیب اولویت، آسفالت معابر انجام می‌شود.

به گفته او، هنوز نتیجه استعلام شرکت‌های خدماتی برای بولوار شهید قناد نیامده‌است. اگر این شرکت‌ها حفاری نداشته باشند، در فهرست آسفالت و اولویت‌بندی قرار می‌گیرد.

صالحی ابراز امیدواری می‌کند که تا ماه آینده جواب استعلام این بولوار مشخص شود. او تصریح می‌کند: بسیاری از معابر منطقه به علت فیر نوری و پروژه‌های آبیاری فضای سبز در فهرست حفاری و کنده‌کاری هستند. برای همین امکان آسفالت آن‌ها را نداریم و از این جهت شهروندان نباید این منطقه را با دیگر مناطق مقایسه کنند.

شهرا را محله در آینده موضوع آسفالت معابر فرعی خیابان شهید قناد را پیگیری می‌کند.



تعداد پیام‌های مردمی

۲۹ تماس



درخواست‌های مربوط به حوزه فضای سبز

رسیدگی به درختان خشک‌شده خیابان اقبال و فضای سبز ابتدای خیابان هنرستان ۴۰، ایجاد فضای سبز در زمین رها شده بین خیابان پیروزی ۲۲ و ۲۴، رسیدگی به فضای سبز در حال خشک‌شدن مجتمع پردیس، رسیدگی به زمین بازی کودکان در بوستان پردیسان رضاشهر، رسیدگی به فضای سبز حفاصل میدان‌های شهید کاوه و جوان و رسیدگی به بوستان محلی آبرود در خیابان اقبال، هفت درخواست اهالی در این حوزه بود.



درخواست‌های مربوط به حوزه خدمات شهری

درخواست جلوگیری از سد معبر میوه‌فروشی‌های خیابان فرخی، رسیدگی به زمین رها شده خیابان لادن ۱۸ و سامان‌دادن به سرویس‌های بهداشتی اطراف میدان جوان، موضوع سه تماس تلفنی در این حوزه بود.



درخواست‌های مربوط به حوزه ترافیک

درخواست رسیدگی به انسداد ورودی کوچه‌های هاشمیه ۳۳، خاقانی ۱۷ و خاقانی ۹، بهسازی سرعت‌گاه حفاصل خیابان‌های صارمی ۳۴ و ۳۸، درخواست مسدود شدن ورودی خیابان شهید فکوری ۷۹، درخواست نصب سرعت‌گیر در حفاصل میدان شهید محمودی و بولوار شهید فکوری، تعیین تکلیف ترافیک پشت پمپ‌بنزین در ابتدای بولوار دلاوران و خط‌کشی عابر پیاده در اطراف میدان جوان، موضوع هشت تماس شهروندان در حوزه ترافیک بود.



درخواست‌های مربوط به حوزه عمرانی

در این حوزه یازده تماس گرفته شد و شهروندان درخواست بهسازی آسفالت فرعی‌های صارمی ۲۷ (قناد) و روکش آسفالت کوچه هاشمیه ۳۴ را داشتند. رسیدگی به آسفالت فرعی‌های ابتدای بولوار لادن، لکه‌گیری آسفالت و مرمت کنده‌کاری‌ها در خیابان رضوی ۴، مرمت گودال‌های آسفالت در حفاصل خیابان‌های پیروزی ۷۵ و ۷۷ از دیگر درخواست‌ها بود. همچنین مرمت نشست درجه فاضلاب مقابل پیروزی ۷۱، مرمت سنگ‌فرش نبش خیابان هنرستان ۴۰، لکه‌گیری آسفالت خیابان صارمی ۳۸، بهسازی پیاده‌روهای نبش خیابان دلاوران ۷ و رسیدگی به تخریب آسفالت نو در خیابان‌های فراز و هاشمیه ۳۸ نیز طی تماس تلفنی مردم مطرح شد.

### شهرا را محله پیگیری می‌کند

شهرا را محله در هفته‌های آینده موضوع رسیدگی به پارک بازی کودکان در بوستان پردیسان رضاشهر و درخواست نصب سرعت‌گیر در حفاصل میدان شهید محمودی و بولوار شهید فکوری را پیگیری خواهد کرد.



هم قدم



۹

فهیمة شهری انشش سال است که ساکنان خیابان شهید صارمی ۲۷ و بولوار شهید قناد تقاضای روکش کردن آسفالت را دارند؛ وعده‌ای که از سال ۱۳۹۸ هر سال به سال دیگر موکول شده و با وجود بردن استشهاد محلی، هنوز تحقق نیافته‌است. موضوع ناراحت‌کننده برای اهالی اینجا فقط مشکلات آسفالت ترک‌خورده و تکه‌تکه نیست. آن‌ها از این موضوع گلایه‌مندند که چرا از ابتدای خیابان قناد تا قناد ۱۱ و بعضی فرعی‌های این بولوار روکش آسفالت شده. اما برای بقیه آن اقدامی نشده‌است.

اهالی حسابی جنوبی ۹ درخواست اصلاح هندسی معبرشان را دارند

## شاخ به شاخ شدن خودروها در ورودی خطرناک

رضار یاحی «ورودی خیابان حسابی جنوبی ۹ احتیاج به اصلاح هندسی دارد»، این جمله‌ای است که بسیاری از اهالی این معبر به آن اعتقاد دارند و می‌گویند ادامه وضعیت موجود در ورودی کوچه‌شان، برای حرکت آرام خودروها و کاهش تصادفات نامناسب است.

خیابان حسابی جنوبی ۹ معبری در محله فرهنگیان است که مدت‌هاست ورودی‌اش برای مردم دردسرساز شده‌است.

هم قدم

۱۰

### کشی‌دار شدن یک کار ساده!

سری به خیابان حسابی جنوبی ۹ می‌زنیم؛ کوچه‌ای که سمت چپش زمین رها شده بزرگی است که در سرهای زیادی برای اهالی ایجاد کرده‌است، از جمله اینکه خانه اهالی زیر خاک‌است و زمین هم به پارکینگ بزرگ خودروهای سنگین تبدیل شده‌است. البته که وضعیت مالکیت این زمین هم مشخص نیست. از طرف دیگر، ورودی معبر نیاز به اصلاح هندسی دارد. یعنی خودروها باید به جای یک زاویه نرم ۴۵ درجه، بازوویه تند ۹۰ درجه وارد کوچه شوند و همین موضوع احتمال وقوع تصادف خودروها در این معبر را زیاد کرده‌است.

محراب صباغ‌زاده که خودش از اهالی قدیمی این معبر است، در این باره به ما می‌گوید: «۱۰ ماه پیش در تماس با سامانه ۱۳۷ این معضل را مطرح کردم و قول مساعد دادند که این مشکل برطرف شود. تا حالا که اتفاقی نیفتاده‌است و هر بار تماس می‌گیرم، به این جمله بسنده می‌کنند که اصلاح هندسی کوچه حسابی جنوبی ۹ در برنامه‌های شهرداری قرار دارد».

او که حسابی از این خلف وعده شهرداری منطقه گلایه‌مند است، ادامه می‌دهد: در کل قرار است چهار تا جدول برداشته شود و چهار تا جدول صالحی ابراز امیدواری می‌کند که تا ماه آینده جواب استعلام این بولوار مشخص شود. او تصریح می‌کند: بسیاری از معابر منطقه به علت فیر نوری و پروژه‌های آبیاری فضای سبز در فهرست حفاری و کنده‌کاری هستند. برای همین امکان آسفالت آن‌ها را نداریم و از این جهت شهروندان نباید این منطقه را با دیگر مناطق مقایسه کنند.

شهرا را محله در آینده موضوع آسفالت معابر فرعی خیابان شهید قناد را پیگیری می‌کند.

### ورود ناگهانی خودروها به کوچه

سعید بنایی کارشناس ارشد عمران و شهرسازی است. او که ساکن این کوچه‌است، خودش راهی ما می‌رساند و در ادامه حرف‌های همسایه‌اش



توضیح می‌دهد: تا حالا اینجا دوسه تصادف بد جور داشته‌ایم که ماشین‌ها با هم شاخ به شاخ شده‌اند. وقتی خودروها بدون کنترل و یک باره وارد کوچه می‌شوند، تسلطی روی سرعت ماشین ندارند، ولی اصلاح هندسی معابر برای همین است که سرعت خودروها برای ورود به معبر تعدیل شود.

سعید آقا دامه می‌دهد: اصلاح هندسی معابر به معنای طراحی مناسب و ساختار فیزیکی مطلوب خیابان‌هاست و بیشتر به دلیل افزایش ایمنی، تسهیل در ترافیک و بهبود کنترل حرکت وسایل نقلیه انجام می‌شود. با توجه به این موارد، اصلاح هندسی کوچه حسابی جنوبی ۹ بسیار واجب است.

### اصلاح هندسی معبر، به زودی

این موضوع را با معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ مطرح می‌کنیم. سعید میرسعیدی بایان اینکه اهالی خیابان حسابی جنوبی ۹ تاکنون چندین بار درخواست اصلاح هندسی این معبر را داشته‌اند، بیان می‌کند: اصلاح هندسی سمت راست معبر انجام شده‌است و اصلاح سمت چپ آن هم به زودی انجام می‌شود و در اولویت برنامه‌های اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ در حوزه ترافیکی قرار دارد. میرسعیدی درباره گلایه شهروندان در مورد اینکه این پروژه هزینه و وقت زیادی نمی‌خواهد، توضیح می‌دهد: شهرداری یک سازمان دولتی است. روال اجرای پروژه‌های کوچک و بزرگ یکی است. برای اجرای هر کاری، ابتدا درخواست بودجه می‌کنیم و سپس از موافقت، مراحل اخذ پیمانکار و اجرای پروژه انجام می‌شود.

شهرا را محله درخواست اهالی خیابان حسابی جنوبی ۹ را تا رسیدن به نتیجه پیگیری می‌کند.



شهر خبر



۱۰

### زیارت گروهی اهالی منطقه ۱۰

به کوشش معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۱۰، بیش از ۱۵۰۰ نفر از شهروندان منطقه در قالب طرح‌های «زیارت دلنشین» و «قرار زیارت»، به حرم مطهر رضوی مشرف شدند. ادعیه و مناجات خوانی، مدیحه سرایی، مداح اهل بیت (ع) برای امام مهربانی‌ها، سخنرانی مذهبی و یازدید از موزه‌های حرم مطهر رضوی نظیر موزه انقلاب و موزه فرش، از برنامه‌های اجرا شده در این طرح است. همچنین دانش‌آموزان با حضور در رواق مخصوص کودکان از ویژه برنامه‌های آستان قدس رضوی با عنوان پارک‌های فرهنگی کبوترانه به منظور سرگرمی و آشنایی بیشتر با امام رضا (ع) بهره‌مند شدند.

### آماده‌شدن «آفتاب» برای بانوان

پروژه بوستان بانوان آفتاب با اعتبار ۳۷۴ میلیارد ریال در زمینه به مساحت پنج هکتار واقع در حاشیه بزرگراه امام علی (ع)، ابتدای بولوار ادیب، در حال احداث است. در این پروژه بخش‌هایی نظیر ساختمان اداری، کافی‌شاپ، نمازخانه، نگهبانی، سرویس بهداشتی و گونه‌های کم‌آب و مقاوم از جمله گیاهان پوششی، گل‌های دائمی و فصلی قرار دارد. علاوه بر این هازمین ورزشی و الببال و بدمینتون، تنیس روی میز، شطرنج، زمین اسکیت، مسیر سلامت، بینت‌بال، فضای بازی کودکان، آلاچیق، فضای خانوادگی، مسیر دوچرخه‌سواری و پارکینگ از دیگر امکانات این بوستان است.



اولین فرمانده گردان امام رضا<sup>(ع)</sup>  
موفقیت های جنگ تحمیلی را حاصل تلاش و امید رزمندگان می داند

## ۲۵ روز پوتین از پایم در نیامد

فهیمة شهری ایشی از سی سال خدمت در جهاد سازندگی و مؤسسه جهاد نصر، کافی است تا وقتی با محمد جواد گل فخرآبادی صحبت می کنیم، دنیایی حرف برای گفتن داشته باشد. او مثل خیلی از جوانان اهل کار قدیم، تجربیات گوناگونی در راه کسب درآمد داشته است؛ از کارکردن در مغازه پدرش گرفته تا پارچه فروشی، رانندگی با وانت و کامیون، کارکردن با دستگاه های راه و ساختمان سازی و... اما در پس همه این ها، عشق به میهن در برهه های مختلف زندگی، مسیرش را تعیین کرده است؛ پیش از انقلاب به دلیل اعتصاب، کارش را رها کرد و در راهپیمایی ها به خیابان ها رفت. با آغاز جنگ تحمیلی نیز راهی جبهه شد و بیش از ۴۵ ماه سابقه حضور در میدان نبرد را دارد.

این شهروند محله استاد یوسفی پس از جنگ تحمیلی، با خدمت در جهاد سازندگی و نصر در راه عمران و آبادی میهن کوشید. او در پروژه های لوله گذاری مشهد تا نیروگاه گازی نکا و تهران تا مشهد، حضور داشته و در کنار این کارهای عمرانی، وارد فعالیت های فرهنگی هم شده و چند سالی به عنوان راوی در اردوهای راهیان نور روایتگری کرده است.

فخرآبادی هنوز هم یک مدافع میهن است؛ چه در پشت میز خدمت و چه وقتی دوشادوش مردم قرار می گیرد. در جنگ دوازده روزه با اسرائیل، او مثل دوران فرماندهی در جبهه، به یک موضوع خیلی توجه داشته است؛ امید بخشی و تزریق روحیه شجاعت.

### ●●رها کردن کار و پیوستن به جمع اعتصابکنندگان

سراغ فخرآبادی رفته بودیم تا از اقداماتش در جهاد سازندگی و جهاد نصر بگویند، اما جنگ دوازده روزه با اسرائیل بیش از پیش خاطرات جنگ و دوران هشت سال دفاع مقدس را برای او زنده کرده است؛ به طوری که همه گفته هایش به آن سمت و سوی رود.

او تعریف می کند: در زمان مجردی، مدت کوتاهی در مغازه پدرم که مربوط به تأمین علوفه دام بود، کار کردم و پس از آن در خیابان خسروی مغازه پارچه فروشی زدم. سال ۱۳۵۱ در حالی که ۲۱ سال داشتم، ازدواج کردم و پس از آن یک وانت خریدم و با آن کار می کردم.

اوسال ۱۳۵۳ در یک شرکت فرانسوی مشغول کار شده و چون گواهینامه پایه یک داشته، روی دستگاه هایی کار می کرده که با کمک آن ها کار لوله گذاری انجام می شده است. فخرآبادی خیلی زود خودش را به فرانسوی ها نشان داده و مدیریت یکی از بخش ها به او واگذار شده است. می گویند: از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ در پروژه لوله کشی گاز از پالایشگاه گاز سرخس تا مشهد، از مشهد تا نیروگاه گازی نکا و پالایشگاهی تهران به مشهد حضور داشتم.

اوپس از این در پروژه های لوله گذاری مختلف حضور داشته و در هر برهه ای توانسته است بهره وری کار را نسبت به قبل افزایش دهد. سال ۱۳۵۷ و پس از جمعه خونین تهران در روز ۱۷ شهریور به جمع اعتصاب کنندگان می پیوندد و کارش را که درآمد خوبی هم داشته است، رها می کند و از طریق واتی که از قبل داشته است، به امرامعاش می پردازد.

آقامحمد جواد سال ۱۳۵۹ ازادیومی می شود که جهاد سازندگی به راننده پایه یک نیاز دارد. مراجه می کند و به عنوان نیروی پشتیبانی جبهه مشغول به خدمت می شود. اما مدام اصرار داشته است به جبهه برود تا اینکه سه ماه بعد، یعنی بهمن سال ۱۳۵۹ اعزام هوا و سوسنگرد می شود. با توجه به سوابقی که او در کارکردن با ماشین های سنگین داشته است، از فوروردين سال ۱۳۶۰ به عنوان مسئول ماشین آلات ستاد پشتیبانی جهاد خراسان در جنوب گماشته می شود و چند ماه بعد مسئولیت پشتیبانی جنگ جهاد خراسان در جنوب به او داده می شود.

### ●●شاهکار مهندسی در پل بعثت

به گفته او، برای هر کامیون و بولدوزر دو راننده در نظر گرفته می شد تا اگر یکی شهید شد، دیگری جایگزین شود.

این رزمنده دوران دفاع مقدس ادامه می دهد: در یکی از عملیات ها دیدم صدای بولدوزر تغییر کرد. فهمیدم اتفاقی افتاده است، رفتم، دیدم تیر به پیشانی راننده آن برخورد کرده است و دارد خون می باشد. در

چنین وضعیتی راننده بعدی با وجود اینکه دیده بود نفر قبلی شهید شده است

و در حالی که کاپوت و فرمان و... پیر از خون گرم بود، پشت بولدوزر نشست تا بلافاصله کار را ادامه دهد.

آقامحمد جواد صحبت رامی برد سمت مراحل ساخت پل بعثت روی رودخانه ارون. با وجود اینکه خودش مستقیم در روند ساخت آن حضور نداشته است،

در جریان بسیاری از جزئیات آن هست و از آن به عنوان یکی از شاهکارهای مهندسی نام می برد.

فخرآبادی با حوصله شروع می کند به شرح دادن مراحل ساخت این پل و اینکه مرحوم بهروز پورشریف چه طرحی برای آن داده بود. با خودکارش روی کاغذ عکس رودخانه رامی کشد و لوله هایی که قرار بوده است گذاشته شود تاروی آن ها راه و آسفالت کشیده شود و بتوانند از روی رودخانه عبور کنند. بعد هم جزء به جزء قوانین مهندسی آن را شرح می دهد: تأثیر جزیر و مد روی طرح را توضیح می دهد. قانون ارشمیدس را می گوید و نسبت جریان هوا و باری که یک لوله درون آب می تواند تحمل کند، همچنین نحوه غرق کردن لوله ها در آب و جزئیات بسیار ریز و دقیق مهندسی آن را بیان می کند. اینکه چطور سر لوله ها برزنت گذاشته بودند و پس از چند بار ناکامی، موفق می شوند با دادن تغییراتی در آن، ۵ هزار لوله را در رودخانه بچینند.

اوسپس با تا کیدی می گوید: معما چو حل شست آسان شود. اکنون شاید این موضوع ساده به نظر بیاید. اما خیلی برایش فکر شده و یک شاهکار مهندسی است که توانستند در آن وضعیت چنین کاری انجام دهند و روی رودخانه ای چنان خروشان، مسیر عبور ماشین و تریلی های مهمات و... درست کنند.

آقامحمد جواد تعریف می کند: پس از ساخت این مسیر یک بار با یکی از رزمندگان داشتیم

می رفتیم سمت مقرمان و از روی این پل رد شدیم. وقتی رسیدیم، آن رزمنده با تعجب پرسید:

«مگر رسیدیم؟ کی از ارون رد شدیم؟» گفتیم: روی ارون جاده بود و از آن عبور کردیم. و آن

رزمنده همچنان با تعجب می پرسید چطور روی ارون جاده زده شده است؟!

### ●●شهید که گریه ندارد

فخرآبادی تا سال ۱۳۶۶ در جبهه بوده است و سابقه ۴۵ ماه و ۱۲ روز حضور در آن را دارد. از سال ۱۳۶۸ که جهاد نصر تأسیس می شود، او به عنوان مسئول جهاد نصر مشهد مشغول فعالیت می شود. از سال ۱۳۷۴ تا

۱۳۸۹ او مدیر ماشین آلات جهاد نصر خراسان بوده و سال ۱۳۸۹ که بازنشسته می شود، مدت کوتاهی از فعالیت کنار می آید. اما باز مشغول کار می شود. او اکنون مدیر بازرگانی و ماشین آلات جهاد نصر خراسان رضوی است.

این فرمانده دوران دفاع مقدس یاد برادر شهید و مادرش می کند و می گوید: برادرم، محمد، سرباز ارتش بود. در حین انجام وظیفه در منطقه کوشک بر اثر اصابت توپ، سرش از بین رفت و به عنوان شهید بی سر دفن شد. با وجود این، مرحوم مادرم این قدر قوی و صبور بود که وقتی دید بقیه اعضای خانواده دارند برای برادرم گریه می کنند، گفت چرا گریه می کنید؟ شهید که گریه ندارد. بلند شوید ناهار مهمانان را فراهم کنید. بعد هم برخلاف تصور خیلی ها، مانع ادامه حضور و فعالیت من در جبهه نشد و خدا را شاکر بود که در راه اسلام خدمت می کنیم.

او می گوید: اگر انقلاب ما پیروز شد، به دلیل این بود که مردم پشتیبان آن بودند. پدران و مادران با دست خودشان فرزندانشان را راهی جبهه می کردند و برایشان ملزوماتی مثل پتو و آذوقه می فرستادند. همسران پشتیبان مردان بودند و بار سنگین مدیریت خانه در نبود آن ها را به دوش کشیدند. همسر خود من در نبودم شش وچهار بار بزرگ کردم و من در جبهه با خیالی آسوده از زندگی و بچه هایم، فکر نکردم.

آقامحمد جواد که عقیده دارد صاحب اصلی این مملکت صاحب الزمان<sup>(عج)</sup> است، می افزاید: در طول این سال ها هر وقت مردم از کشور دلسرد شده اند، اتفاقی افتاده که دوباره شور میهن دوستی مردم زنده کرده و مثل خونی در رگ ها جاری شده است. این حمله اسرائیل هم چنین تأثیری داشت.

### ●●علم همراه با توکل و توسل

او تعریف می کند: زمانی که با پهباد فرودگاه مشهد را زدند، من در تعمیرگاهی در نزدیکی آنجا بودم. همین که صدای لرزش انفجار آمد و بعدش دود بلند شد، یکی دو تا از تعمیرکاران رسیدند و می خواستند تعطیل کنند. من گفتم کجا می خواهید بروید؟ از کجایم؟ دانید جای دیگری که می روید. اتفاقی نمی افتد؟ در حین این حرف ها بودم که یکی از آن ها گفت حاجی جان، تو عمرت را کرده ای و برای همین بی خیالی! در جوابش گفتم هرکس هر قدر سن داشته باشد، زندگی را دوست دارد. تا زنده ایم، زندگی می کنیم و هر وقت عمرمان تمام شود، نمی توانیم از مرگ فرار کنیم، ولی خوش به سعادت امثال سردار سلیمانی، سلامی و... که پایان عمرشان با شهادت بود.

فخرآبادی بعد از این، خاطراتش در دوران جنگ را برای آن ها تعریف می کند و از این می گوید که ۴۵ ماه در جبهه حضور داشته، اما چون خدا نخواست، شهید



دریافت نسخه الکترونیک شهرآرماند از  
shahraranews.ir



۱۰



محمد جواد واحدی بایثت پلانک قدرتی  
سرمدمدار یک حرکت ورزشی در سطح بین الملل است

# از ورزش پهلوانی تارکورد جهانی



راه تجربه

## ● ○ باستانی کار رزمی کار

متولد سال ۱۳۸۰ است و کارنامه ورزشی اش پر از فراز و فرود هابرای رسیدن به موفقیتی بزرگ؛ از شروع با ورزش باستانی گرفته تا حضور در میدان آزاد و رقابت های یک یک بوکسینگ. محمد جواد واحدی، این ورزشکار جوان، می گوید: تقریباً از پنج سالگی ام یاد می آید که همراه پدر و پدر بزرگم گاهی به گود زورخانه می رفتم، ولی از ده دوازده سالگی دیگر خودم میل و کباد و سنگ دستم گرفتم و چرخ باستانی زدم و همه شناهای باستانی را تمرین کردم. به گودهای رستم، سرای فردوسی و مجموعه ورزشی آستان قدس هم رفته ام. پدر بزرگم نقش خیلی مؤثری در زندگی ورزشی من دارد. او همین حالا هم اتاقی در خانه اش پیرالوازم ورزش باستانی دارد و به گودها سر می زند.

آشنایی با فضای ورزش های باستانی، مقدمه ای برای اومی شود تا پادر عرصه جدی ورزش بگذارد و انتخاب اولش در هفده سالگی رشته کنگ فو شود؛ سال ۱۳۹۶ وارد رشته کونگ فو شدم و زیر نظر استاد حسین خیراندیش کارم را شروع کردم. تیرماه سال بعدش در وزن ۶۸ کیلوگرم عنوان برترین فایتر شرق کشور را برای خودم ثبت کردم. این عنوان در رقابت با ۱۷۰ ورزشکار ثبت شد و چیزی شبیه او را بدین بازی (قهرمانان) است.

## ● ○ رکورد گینس در بوستان کوهسنگی

محمد جواد واحدی پس از ثبت رکورد شنای سوئدی، مسیر ثبت رکورد های جدید را هم با جدیت دنبال می کند. با شکرگزاری می گوید: در تاریخ هشتم خرداد ۱۴۰۴، با حضور هادی رضایی، نماینده گینس و مسئول ثبت رکورد های کشور، او اعظم برادران، مسئول ثبت رکورد های استان، موفق شدم رکورد پلانک قدرتی با وزن ۲۰ کیلوگرم را در مدت ۵۴ ثانیه ثبت کنم و به تأیید همه، اولین کسی در دنیا هستم که چنین رکوردی را به جا گذاشته ام. در این مراسم که در بوستان کوهسنگی برگزار شد، جمعی از پیشکسوتان و قهرمانان ملی از جمله ارشاد رو خیشیان، دارنده بیشترین مدال بوکس کشور و ورزشکاران رشته های ووشو و کراس فیت حضور داشتند.

امانختسین ثبت رکورد او در حضور عموم به یکم دی ۱۴۰۲ مربوط می شود و در باره اش می گوید: ثبت ۱۳۳۹ شنای سوئدی با وزن ۵۰ کیلوگرمی و در یک ساعت اولین رکوردم در حضور مردم و در الماس شرق بود. این مراسم در حضور دبیر هیئت کونگ فو و چهار داور بین المللی برگزار شد. رکورد جهانی پیش از من ۱۳۴ شنا بود.

## ● ○ تشویق چند هزار نفری

اشک شوق پدر و مادر برای واحدی و ثبت رکورد در مقابل چشم همشهریانش خاطره ای فراموش نشدنی است و می گوید: لحظه ای که رکورد جهانی ام در الماس شرق ثبت شد، هیچ وقت از ذهنم پاک نمی شود. همیشه در سالن های رزمی، وقتی دستم بالا می رفت، نهایتاً صد یا صد و پنجاه نفر تشویقم می کردند. اما این بار، سه چهار هزار نفر من را تشویق می کردند. این حس قهرمان بودن در چشم هزاران نفر، برایم خیلی ارزشمند بود. البته شیرین ترین لحظه اش، دیدن اشک های شوق پدر و مادرم بود. اولین باری بود که این دو عزیز را آن طور خوشحال می دیدم. همان جاد الماس شرق، وقتی پای پدر و مادرم را ببوسیدم، انگار تلاش و صبر سال های گذشته برایم معنا پیدا کرده بود.

## ● ○ ممکن شدن غیر ممکن ها

اواکنون دانشجوی ترم ششم کارشناسی علوم ورزشی در دانشگاه امام رضا<sup>ع</sup> است و فعالیت ورزشی اش را به صورت حرفه ای در رشته یک یک بوکسینگ ادامه می دهد. محمد جواد می گوید: در سال ۱۴۰۰ یک آزمون آمادگی جسمانی در میان دانشجویان علوم ورزشی برگزار شد که در آنجا توانستم ۴۵۰ حرکت شنای یک ضرب انجام دهم. این کار توجه دکتر عظیم خانی، مدیر گروه علوم ورزشی دانشگاه و رئیس وقت هیئت وزنه برداری خراسان رضوی، را جلب کرد.

همین اتفاق، انگیزه ای می شود تا واحدی مسیر ثبت رکورد های ملی و بین المللی را جدی تر دنبال کند؛ سراغ مربی ام، استاد حسن علیزاده، رفتم و رکورد های شنای سوئدی در سطح ملی و جهانی را پرسیدم. رکورد ملی، ۶۰۴ حرکت در یک ساعت بود و رکورد جهانی ۲ هزار و ۲۲۲ حرکت. استادم به من گفت این کار تقریباً غیر ممکن است. اما با را اول در تمرین باشگاه ۶۴۵ حرکت شنای سوئدی را انجام دادم و رکورد ملی را جابه جاکردم. با این حال، این فعالیت ورزشی غیر رسمی بود و فقط انگیزه ای به من داد که بتوانم رکورد جهانی تمرکز کنم. در نهایت در مسابقات کشوری یک یک بوکسینگ، اسفند سال ۱۴۰۱ و در بجنورد موفق شدم ۳ هزار و ۱۰۰ حرکت شنای سوئدی را در یک ساعت و بدون توقف به ثبت برسانم و رکورد ایران و جهان را جابه جاکتم.

## ● ○ پیشنهاد پدر بزرگ و استعداد ورزشی

واحدی مصمم صحبت می کند و نقطه عطف موفقیت های ورزشی اش را در پیشنهاد پدر بزرگش می داند: در سال ۱۳۹۸ وقتی در مسابقات انتخابی کشور در رشته کونگ فو آزاد شرکت کردم، تا ندون زانوهایم آسیب دید و یک سال مجبور به استراحت شدم. در این مدت که به اجبار از ورزش دور شدم، به پیشنهاد پدر بزرگم حرکت شنار انجام می دادم. به نظر همان تمرین ها مقدمه ای برای شناسایی استعدادم در دانشگاه شد.

او دلم در حرف هایش از خداوند یاری می خواهد و می گوید: تصمیم دارم برای کارهای بزرگ تر، مدتی استراحت کنم. دنبال جذب اسپانسر هستم تا بتوانم خارج از کشور هم این رکورد را ثبت کنم.

## ● ○ قدردان پدر و مادر

این رزمی کار در کنار فعالیت حرفه ای اش، از خانواده اش هم یادی می کند. پدرش راننده تاکسی است و مادرش خانه دار. محمد جواد می گوید: پدرم اوایل با مسیرو ورزشی ام تا حدودی مخالف بود، ولی این روزها کارم را قبول دارد. مادرم هم تنها کسی است که می توانم راحت حرف دلم را با او بزنم و در مسیرو ورزشی ام نقش پررنگی داشته است. او همیشه پیش از اینکه از خانه خارج شوم، بار همه مقدمات ورزشم، مانند فراهم کردن غذا و آماده سازی لباس هایم را انجام می دهد و برای همین قدردانش هستم.

این ورزشکار جوان حالا مربی درجه C (بین المللی) یک یک بوکسینگ و مربی بدن سازی است. فعالیت حرفه ای اش در این روزها گسترده تر از گذشته شده است و بیان می کند: مربی یک یک بوکسینگ در باشگاه کیان سنتر ۲، مربی بدن سازی در باشگاه شرکت گاز و دبیر ورزش مدارس علامه طباطبایی هستم. در واقع ورزش آن قدر برایم جدی شده که به دغدغه و منبع درآمد تبدیل شده است.



۹



مکان نما

رضایاحی ابتدای خیابان کوثر شمالی ۸ بوستان پرثیان قرار دارد؛ فضای سبز محلی که از بولوار کوثر تا بولوار باهنر ادامه دارد و یکی از ظرفیت های ورزشی و تفریحی اهالی است. از آنجا که در اطراف آن مسجد و حسینیه ثار... بازار محله بزرگ و بیمارستان فارابی قرار دارد، حجم رفت و آمدها به این بوستان نیز زیاد و شایان توجه است.

از میان این بوستان محله کوثر، کالی عبور می کند و در یک نقطه آن پلی نیز برای جابه جایی اهالی از یک سمت پارک به سمت دیگر وجود دارد. اگر گذرتان به این بوستان بیفتد، با اسکیت بازان خرد سالی رویه روی می شوید که هر روز در این مکان ورزش می کنند. یابزرگ سالانی که مخاطبان میزهای پینگ پنگ و شطرنج هستند.

## ● ○ بوستانی آرام برای مطالعه و ورزش

بوستان پرثیان از فضا های سبز قدیمی محله کوثر است که ساختش به پانزده سال پیش برمی گردد و بیش از ۱۵ هزار متر مربع وسعت دارد. درختان بلند و سایه خنک آن ها، یک روز گرم تابستانی را دلپذیر می کند. ساعت ۶ عصر که می شود، هیاهوی بچه های کم سن و سال در اطراف زمین اسکیت بالا می گیرد؛ بچه هایی از سه تا هفت سال. ابوالقاسم عابدین پور که نوه اش را به کلاس اسکیت آورده است، می گوید: نوه ام اسکیت بازی می کند و من هم از طبیعت پارک برای مطالعه و استراحت استفاده می کنم. اینجا

بوستان پرثیان در محله کوثر، پاتوق جذاب ورزشکاران است

# دوره می اسکیت بازان

پارک امن و خوبی است و از آنجا که وسعت زیادی دارد، شلوغی جمعیت در آن دیده نمی شود و همین باعث آرامش است.

او ادامه می دهد: سال هاست این پارک به زمین اسکیت حرفه ای و استاندارد ی مجهز است و بچه های زیادی از این امکان استفاده می کنند و مربی هم دارد.

## ● ○ پرثیان، مسیری برای پیاده روی

به جز زمین اسکیت، بوستان پرثیان د و دست کامل لوازم بدن سازی، میز پینگ پنگ و شطرنج هم دارد که هر کدام علاقه مندان به خودش را دارد.

رضا میرزایی درباره حضور ورزشکاران در این بوستان می گوید: از آنجا که طول پارک زیاد است و از بولوار باهنر تا بولوار کوثر



دنیای کودکی تبسم، قهرمان رزمی کار محله رسالت  
رنگ و بوی ورزش دارد

# مربی عروسک های کاراته کار



امید محله

رضا یاحی اتبسم خودش را برای رفتن به کلاس اول آماده می کند. دوره پیش دبستانی اش خوب پیش رفته و آماده تجربه چالشی جدید است. کاراته هم بخش مهمی از زندگی اوست؛ به طوری که در مدت کمتر از یک سال چهار مقام استانی و کشوری کسب کرده است.

تبسم نجفی آرزویی به قواره کودکی اش دارد دارد. دلش می خواهد در کلاس کاراته به قدری قوی و نیرومند شود که همیشه هوای پدر و مادرش را داشته باشد و از آن ها مواظبت کند. همین آرزو انگیزه ای شده است برای تبسم که در شش سالگی یکی از هنرچوهای برتر باشگاه کاراته محله شان باشد. در گفت وگو با تبسم فقط لیخند و بازیگوشی های او نصیبمان می شود و مادرش، آرزو خانم، پاسخگوی پرسش های ما است.

## ● ○ چه شد که تبسم را در باشگاه کاراته ثبت نام کردید؟

پدر و عمه تبسم توانکند و راه صورت حرفه ای دنبال می کنند و هر دو کمر بند مشکی دارند. برای همین بود که دخترمان هم به ورزش رزمی علاقه مند شد و از آنجا که در اطراف خانه مان باشگاه کاراته بود، او را ثبت نام کردیم.

## ● ○ فکر می کنید مثل پدرش این

امتداد دارد. دودست لوازم بدن سازی در دو سمت پارک نصب شده است. همچنین در دو سمت کال مسیر پیاده روی ساخته شده است که صبح های زود با استقبال زیاد اهالی روبه رو می شود.

## ● ○ فرهنگ مردم اینجا بالاست

بابت نزدیکی این بوستان به حسینیه و مسجد ثار... بیمارستان فارابی و مرکز درمان نابابوری نوین، رفت و آمد در آن بسیار بیشتر از بوستان های دیگر محله است. یکی از خانم هایی که در پارک نشسته است و دوست ندارد نامی از او برده شود، پدرش از دو هفته پیش در بیمارستان فارابی بستری است. او به ما می گوید: من و مادرم هر روز به دیدنش می آییم. وقتی مادرم پیش پدرم است، من هم با بچه ها به این پارک می آیم. هم زمین بازی دارد و بچه ها سرگرم هستند و هم سرویس بهداشتی مناسب و تمیز. گاهی با خودمان غذا می آوریم و گاهی هم از بوفه داخل پارک چیزی برای خودمان می خریم. نگهبانی بیست و چهار ساعته از دیگر امتیازهای بوستان پرثیان است. حسین آقا که شصت سال دارد، مدتی است در این بوستان حضور دارد و گل و گیاهان را آب می دهد. او توضیح می دهد: فرهنگ مردم اینجا بالاست. زیاله در پارک نمی ریزند و رفتار خوبی با ما دارند. تنها مشکل ما سگ گردانی است که البته مخصوص این پارک هم نیست. مدام باید این موضوع را به اهالی تذکر بدهیم.

اول راه به دست آورد.

## ● ○ دخترتان در هفته چقدر تمرین می کند؟

هفته ای سه بار و هر جلسه دو ساعت تمرین می کند. البته بعد هم که به خانه برمی گردد، دو ساعت هم در خانه تمرین می کند!

## ● ○ نگران مصدومیت تبسم در تمرینات نیستید؟

چرا، ولی به استادش، خانم فریده فرحانی، خیلی اعتماد دارم. باشگاه محیط منظم و قانونمندی دارد و بچه ها نمی توانند از حرکات ریسکی یا ضربه های محکم استفاده کنند. تا حالا که همه چیز خوب پیش رفته است.

## ● ○ فرزندتان به جز ورزش چه سرگرمی دیگری دارد؟

عاشق نقاشی است. ساخت کار دستی را هم خیلی دوست دارد. از وقتی پیش دبستانی رفته و خواندن را دست و پا شکسته یاد گرفته، به خواندن کتاب داستان هم علاقه مند شده است. تبسم مجموعه داستان های «پیا» را دوست دارد و با کمک من آن ها را می خواند.

## ● ○ برای شما تحصیل تبسم اولویت دارد یا ورزش؟

قطعاً درس خواندنش برای من اولویت دارد. چون آینده اش با درس و تحصیل ساخته می شود. خودش که از الان شغل آینده اش را هم مشخص کرده است و به ما می گوید: من خانم دکتر کاراته کار می شوم.



برای آشنایی بیشتر به کانال شهرآرامحله منطقه ۹ و ۱۰ در تلگرام بپیوندید

## محله آب و برق

|                                                |                                            |
|------------------------------------------------|--------------------------------------------|
| حمیدرضا سحرخیز<br>رئیس شورا                    |                                            |
| مهدی قدوسیان<br>نماینده مساجد                  | محبعلی اسدی<br>نایب رئیس                   |
| فاطمه خادمی فر<br>نماینده ساکنان               | موسی اشرفیان<br>نماینده ساکنان             |
| امیر حکم آبادی<br>نماینده جوانان               | آمنه ماروسی<br>نماینده بانوان              |
| محمد مهدی معصومیان<br>نماینده تشکل های مردمی   | اکرم مجیدی فیض آباد<br>نماینده پایگاه بسیج |
| عبدالحمید ظهوری<br>نماینده توان یابان          | محمد رضا فلاحتی<br>نماینده ایثارگران       |
| محمد شریعتی پور<br>نماینده پیشگیری از وقوع جرم | ناصر پردل بهره<br>نماینده کسبه             |
| سعید محمدزاده<br>نماینده مدارس                 | محبوبه آذریان<br>نماینده بهداشت            |

|                                             |                                                 |
|---------------------------------------------|-------------------------------------------------|
| محمود ثابت دیزاوندی<br>رئیس شورا            | حسین عباسپور<br>نایب رئیس و نماینده ایثارگران   |
| سید احمد هاشمی<br>نماینده مساجد             | سمیه ترقی<br>نماینده ساکنان                     |
| حوریه ملتی<br>نماینده ساکنان                | حسینعلی مستغنی یزدی<br>نماینده ساکنان           |
| سحر دیبائی<br>نماینده بانوان                | پیام مروج الشریعه<br>نماینده جوانان             |
| قاسم حسین زاده ناظری<br>نماینده پایگاه بسیج | لیلا عرفانی بهدانی<br>نماینده تشکل های مردمی    |
| خلیل شجاعی<br>نماینده کسبه                  | نجمه خادم آستانه<br>نماینده پیشگیری از وقوع جرم |
| معصومه رجبعلی پور چشمه گز<br>نماینده بهداشت | اکرم ظهور پرواز<br>نماینده مدارس                |

## محله چهارچشمه

پریسامروی  
دبیر شوراهای اجتماعی منطقه ۹



۹

## معرفی اعضای شورای اجتماعی محلات محله آب و برق، چهارچشمه، شقایق یک و هاشمیه

## محله هاشمیه

|                                                         |                                                   |
|---------------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| بهزاد بهنامیان<br>رئیس شورا و نماینده تشکل های مردمی    |                                                   |
| محمد عباسی خیابانی<br>نماینده مساجد                     | سمانه نیک نژاد<br>نایب رئیس و نماینده پایگاه بسیج |
| محمد رسول رضائی<br>نماینده ساکنان                       | اکرم نجاتی<br>نماینده ساکنان                      |
| غلامرضا ملک<br>نماینده ساکنان                           | مرضیه محمد دوست<br>نماینده ساکنان                 |
| مریم شهر بابکی<br>نماینده ساکنان                        | فهیمة بذری<br>نماینده ساکنان                      |
| سید علی احمدی خامسی<br>نماینده جوانان                   | حسین فروغی<br>نماینده توان یابان                  |
| حمیده سادات عمرانی بابکی<br>نماینده پیشگیری از وقوع جرم | احمد پور اسمعیل سیوکی<br>نماینده ایثارگران        |
| اکرم سابقی نیا<br>نماینده بهداشت                        | سمانه هراتی<br>نماینده کسبه                       |
| اشرف دهقان تبارکی<br>نماینده بانوان                     | مهدی نقیبیان<br>نماینده مدارس                     |

## محله شقایق یک

|                                                             |                                    |
|-------------------------------------------------------------|------------------------------------|
| جواد رستمی محمودآبادی<br>رئیس شورا و نماینده تشکل های مردمی |                                    |
| مهدی سعیدی<br>نایب رئیس                                     | حسن آهی<br>نماینده مساجد           |
| امید آقایی<br>نماینده ساکنان                                | جواد افتخاری نیا<br>نماینده ساکنان |
| زهره نرپیشه خرم آباد<br>نماینده ساکنان                      | علی اسماعیلی<br>نماینده جوانان     |
| حسین رازدان<br>نماینده پایگاه بسیج                          | مریم کوره پز<br>نماینده بانوان     |
| رمضانعلی بیاره ئی<br>نماینده ایثارگران                      | مجید قوچانی<br>نماینده کسبه        |
| مریم توسلی<br>نماینده پیشگیری از وقوع جرم                   | طیبه خسروی<br>نماینده بهداشت       |
| مهشید وحدتی<br>نماینده مدارس                                |                                    |